

Quran and Hadith Studies

Bi-quarterly Journal of Quran and Hadith Studies, Research Article,

Vol. 14, No. 2, (Serial. 28), Summer 2021

<https://qhs.journals.isu.ac.ir/>

<https://isu.ac.ir/>

Principles of Behavior with all Kinds of Beggars based on the Qur'an and Hadiths Studies

DOI: 10.30497/quran.2020.238849.3011

Mohammadreza Aram *
Seyyed Mojtaba Azizi **

Received: 15/06/2020

Accepted: 09/12/2020

Abstract

One of the issues that has become a problem for many people today is how to deal with beggars - especially street beggars. This problem becomes more problematic when organized begging becomes a profession and as a result becomes a social problem for Islamic society. The main question of this research is how to deal with street beggars correctly. To answer this question, by referring to Quran and hadiths, can be extracted general principles and certain principles. The general principles of helping beggars are the sanctity of rejection, humiliation, flattery, and harassment of beggars. Specific principles also apply to the type of beggars. In the face of real beggars, the principle of helping to the point of needlessness, in the face of suspicious beggars, the principle of poverty and minimum wage, and in the face of unreal beggars, the principle of respect for cooperation in repentance is one of the most important principles of dealing with various beggars.

Keywords: *Charity, Caring for the poor, Beggar, Street beggar, Social harm, Social takaful.*

* PhD Student in Political Science, Institute of Humanities and Cultural Studies, Tehran, Iran.
dr.araam@gmail.com

** Assistant Professor, Department of Political Science, Imam Sadegh (AS) University, Tehran, Iran. (Corresponding Author)
seyedmojtbaazizi@gmail.com



دوفصلنامه علمی «مطالعات قرآن و حدیث»، مقاله پژوهشی، سال چهاردهم، شماره دوم (پیاپی ۲۸)، بهار و تابستان ۱۴۰۰، صص ۱-۳۲

اصول مواجهه با انواع متکدیان بر اساس آموزه های قرآن و احادیث

DOI: 10.30497/quran.2020.238849.3011

محمدرضا آرام*

سید مجتبی عزیزی**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۳/۲۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۱۹

مقاله برای اصلاح به مدت ۱۱ روز نزد نویسندگان بوده است.

چکیده

یکی از موضوعاتی که امروزه برای بسیاری از مردم مسأله ساز شده، مسأله نحوه مواجهه با متکدیان - علی الخصوص متکدیان خیابانی - است. این مسأله زمانی مسأله سازتر می شود که تکدی گری سازمان یافته تبدیل به یک حرفه گردد و در نتیجه تبدیل به یک معضل و آسیب اجتماعی برای جامعه اسلامی شود. سؤال اصلی این پژوهش عبارت است از اینکه نحوه مواجهه صحیح با متکدیان خیابانی چگونه است؟ برای پاسخ به این سؤال با مراجعه به آیات قرآن کریم و روایات معتبر اهل بیت (علیهم السلام) می توان اصول عام و خاصی را در این خصوص استخراج نمود. اصول عام کمک به متکدیان عبارت است از: حرمت طرد، تحقیر، منت گذاری و آزار و اذیت متکدیان. اصول خاص نیز ناظر به اقسام متکدیان است بدین صورت که در مواجهه با متکدیان واقعی، اصل بر کمک تا سرحد بی نیازی است و در مواجهه با متکدیان مشکوک اصل بر صحت ادعای فقر و کمک حداقلی است. در مواجهه با متکدیان غیر واقعی، اصل بر حرمت تعاون بر اثم و اکل مال به باطل است.

واژگان کلیدی

صدقه، رسیدگی به فقرا، متکدی، متکدی خیابانی، آسیب اجتماعی، تکافل اجتماعی.

* دانشجوی دکتری علوم سیاسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران. dr.araam@gmail.com

** استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

طرح مسئله

رشد روزافزون شهرنشینی، کم‌رنگ‌شدن هویت محله‌ها و کاهش روابط همسایگی، از یکسو باعث شده است محیط پیرامونی خود و نیازمندان واقعی اطرافمان را به درستی نشناسیم و از سوی دیگر تعداد کلآشان و تکدی‌پیشگان یا متکدیان سازمان‌یافته روز به روز افزایش یابد. این اوضاع نابسامان از یک جانب باعث شده است تا در آبان ماه سال ۱۳۹۸، شانزده میلیون ایرانی زیر خط فقر باشند (خبرگزاری ایسنا: ۱۳۹۸/۸/۲۲) و در عین حال به گفته معاون حمایت‌های اجتماعی سازمان خدمات اجتماعی شهرداری تهران، حدود ۲۴ هزار متکدی خیابانی در تهران، در بدترین حالت روزانه ۴۰۰ هزار تومان و در بهترین شرایط، برخی از این افراد به‌عنوان رئیس گروه ۹ میلیون تومان درآمد داشته باشند (سایت اقتصاد آنلاین: ۱۳۹۷/۷/۹).

از سویی می‌دانیم که گدایی شغل عده‌ای از این متکدیان شده و حرکت سازمان یافته آنها خود نوعی آسیب اجتماعی است که باعث تضعیف جامعه اسلامی می‌شوند، از سوی دیگر می‌دانیم تمام متکدیان، سازمان‌یافته نیستند و زیادند افرادی که به نان شب محتاجند.

در مواجهه با این پدیده عموماً دچار افراط و تفریط هستیم. عده‌ای به صورت بسیار بدبینانه با تمام متکدیان برخورد می‌کنند و نه تنها هیچ کمکی به هیچ فقیری نمی‌کنند بلکه تمامی فقرا را به چشم زواید جامعه اسلامی نگاه می‌کنند. در این راستا شاهدیم با شعارهایی همچون «چهره شهر را زیباتر کنیم»، نه تنها تمامی متکدیان را طرد کرده و مورد استخفاف قرار می‌دهند، بلکه با تصویب «طرح شناسایی افراد متکدی» در سال ۱۳۷۸ این متکدیان را تحت تعقیب قرار می‌دهند. عده‌ای دیگر هم، به محض ترحم و دلسوزی نسبت به متکدیان، و بدون شناخت آنها، کمک‌های شایان توجهی به آنها می‌کنند. در این میان و برای تنظیم رفتار درست با متکدیان باید دست‌به‌دامان قرآن و روایات معتبر عترت شویم. با این تفصیل، سؤال اصلی این پژوهش عبارت‌است از اینکه نحوه مواجهه درست با متکدیان چگونه است؟ متکدیان، بسته به میزان علم ما به نیازمندی آنها به سه دسته متکدیان واقعی، متکدیان مشکوک و متکدیان کاذب تقسیم می‌شوند. لذا سؤالات فرعی این پژوهش به ترتیب زیر می‌شود:

۱) نحوه مواجهه صحیح با متکدیان واقعی یا فقرا چگونه است؟

۲) نحوه مواجهه صحیح با متکدیان مشکوک چگونه است؟

۳) نحوه مواجهه صحیح با متکدیان کاذب یا کلآشان یا تکدی‌پیشگان چگونه است؟

خاطر نشان می‌گردد، فقرا و نیازمندان اقسام مختلفی دارند اما مقاله‌ی حاضر به نحوه مواجهه افراد با همه آنها نمی‌پردازد، بلکه به متکدی یعنی آنچه در ادبیات دینی «سائل به کف» نامیده می‌شود، می‌پردازد.

نکته دیگر اینکه مجموعه وظایف فرهنگی، اجتماعی و سیاست‌گذارانه در باب مواجهه با فقر، بسیار گسترده و خارج از حیطه‌ی این پژوهش است. پژوهش حاضر فقط به تکلیف تک تک مردم در مواجهه با متکدیان می‌پردازد تا به این سوال شایع مردم که می‌پرسند «در برابر درخواست گداها چه کنم؟» جواب بدهد. لازم است در پژوهش‌های دیگری به وظایف حکومت اسلامی و نظامات اجتماعی در مواجهه با متکدیان و محرومیت‌زدایی از جامعه اسلامی پرداخته شود. سیاست‌گذاری و تأمین اجتماعی، دو اهرم اساسی حکومت‌ها برای محرومیت‌زدایی و مهار تکدی‌گری است.

پیش از ورود به بحث شایسته است که به اختصار در باب مبنای اعتبار سنجی روایات در این مقاله به نکته‌ای اشاره شود. در این پژوهش روایاتی که به طریق صحیح (مطابق دسته‌بندی چهارگانه رایج در میان محدثان متأخر که مبتنی بر ارزیابی سند روایت است) به دست ما رسیده باشد و یا محفوف به قرائن باشند، حجّت دانسته شده است. بر این اساس روایات ضعیف‌السند - اعم از روایات مرسل، مقطوع و غیر آن - می‌تواند معتبر باشد، به شرطی که مضمون آن در روایات صحیح‌السند، یا محفوف به قرائن ذکر شده باشد. روایاتی که در این مقاله مورد استناد قرار گرفته است، صحیح‌السند هستند و یا مضمون آنها در روایات معتبر و محفوف به قرائن ذکر شده است و به روایات دارای ضعف سندی، از آن جهت که مضامین آن‌ها مورد تأیید روایات معتبر دیگر است، استناد شده است.

پیشینه تحقیق

تاکنون پژوهش‌های بسیاری در خصوص پدیده «تکدی‌گری» انجام شده است. برخی از این پژوهش‌ها درصدد توصیف وضعیت متکدیان و تکدی‌گری در جغرافیای ایران و یا شهرهای مختلف آن شده‌اند. به عنوان مثال آقای ساروخانی در کتابی با عنوان «دریوزگان: پژوهشی در شناخت تکدی در شهر تهران» ابعاد مختلف این پدیده را توصیف می‌کند. همچنین آقای حبیب‌پور گتایی در مقاله‌ای با عنوان «رویکرد شهروندان تهرانی نسبت به متکدیان»، به سنخ‌شناسی کمک‌ها و نسبت‌سنجی هر سنخ می‌پردازد. همچنین آقای سراج‌زاده و همکاران در مقاله‌ای با عنوان «تبریز شهر بدون گدا: مطالعه جامعه‌شناختی مواجهه شهروندان با پدیده تکدی‌گری»، به توصیف مقوله‌هایی می‌پردازد که باعث شده است تبریز تبدیل به شهری بدون گدا شود.

دسته‌ای دیگر از این پژوهش‌ها، در مقام تبیین پدیده تکدی‌گری هستند. به‌عنوان مثال، آقایان شکوری و معتمدی در مقاله‌ای با عنوان «مطالعه علل اقتصادی - اجتماعی مؤثر بر پدیده تکدی‌گری؛ مطالعه موردی شهر مشهد» به واکاوی علل اصلی تکدی‌گری می‌پردازند. آخرین دسته از این پژوهش‌ها، به توصیف یا تبیین ماجرا محدود نشده، و در مقام تجویز برآمده‌اند. به‌عنوان نمونه، آقایان هاشم آرام و قنبری باغستان در مقاله‌ای با عنوان «توصیف وضعیت تکدی‌گری در شهر تهران و پیشنهاد دو سناریو» علاوه بر توصیف، درصدد تجویز یک خط‌مشی و برنامه سیاست‌گذارانه دولتی، برای مقابله با پدیده تکدی‌گری هستند. آمارتیا سن در سال‌های اخیر ابواب جدیدی را در باب مسأله توسعه و ابعاد اقتصادی آن گشوده است. یکی از ابعاد توسعه، رفع معضل تکدی‌گری است. وی با تکیه بر اصل نیازمندی متقابل انسان‌ها به یکدیگر، و با درک نقش مهم نهادهای سنتی غیردولتی در حل معضل تکدی‌گری می‌گوید:

«رفع آسیب‌های اجتماعی، وظیفه و مسئولیت همگی ماست، حتی اگر مربوط به فرد دیگری باشد. دیدگاه تک‌بعدی اعتباری از مسئولیت فردی (حضور یک انسان تنها در جزیره تخیلی دوردست و بدون دخالت دیگران) باید نه تنها با پذیرش نقش دولت، بلکه با پذیرش و شناخت نقش نهادها و عوامل دیگر گسترده‌تر شود» (سن، ۱۳۸۱، ص ۳۱۵).

نوآوری این پژوهش در این است که بر خلاف عمده پژوهش‌های پیشین، به نحوه مواجهه با متکدیان در نسبت با دولت نمی‌پردازد، بلکه قصد دارد به تجویز نحوه مواجهه با انواع مختلف متکدیان در لایه اخوت و برادری دینی، بپردازد و تکلیف مؤمنان را بر اساس آموزه‌های قرآن و عترت در این زمینه روشن سازد. همچنین بر خلاف دیگر پژوهش‌ها، تمام تجویزهای این پژوهش مستند به آیات قرآن کریم، روایات و سیره معصومین (علیهم‌السلام) شده است. بر این اساس، این پژوهش در دسته پژوهش‌های تجویزی قرار می‌گیرد.

۱. مفاهیم پژوهش

پیش از ورود به بحث لازم است تا مقصود خود را از مهمترین واژگان به کاربرده شده در این متن کاملاً روشن سازیم. محوری‌ترین مفاهیم این پژوهش عبارت‌اند از: مفهوم متکدی و صدقه.

۱-۱. متکدی

«تکدی» از ریشه‌ی «کدد» به معنی گدایی با تکلف و در یوزگی (بستانی، ۱۳۷۵، ص ۲۵۱) است که عالمان لغت اصل آن را به معنی اصرار در گدایی کردن و درخواست کردن و همچنین درخواست با اشاره دست دانسته‌اند (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۵، ص ۲۷۳؛ ازهری، ۱۴۲۱ق، ج ۹، ص ۳۲۲؛ صاحب بن عباد، ۱۴۱۴ق، ج ۶، ص ۱۳۱). بر این اساس همه‌ی مستمندان را نمی‌توان متکدی دانست و هر فقیری به این وصف خوانده نمی‌شود. از این جهت واژه متکدی به دلیل اقسام مختلف متکدیان ممکن است غلط‌انداز باشد؛ لذا باید مقصود خود از انواع متکدیان را با واژه‌های جایگزین تعریف کنیم:

۱-۱-۱. فقرا / نیازمندان / مستمندان

فقرا، نیازمندان یا مستمندان گروهی از افراد جامعه هستند که عمده دستورات دینی در خصوص انفاق و صدقات و زکوات نسبت به آنها صدق می‌کند. ابوبصیر در روایتی که به سند صحیح به دست ما رسیده است، از امام صادق (ع) در خصوص این فرموده خداوند عزوجل که می‌فرماید: «إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَ الْمَسَاكِينِ» سؤال می‌کند. ایشان در پاسخ به تفکیک فقیر و مسکین و بئس پرداخته و می‌فرمایند: «الْفَقِيرُ الَّذِي لَا يَسْأَلُ النَّاسَ وَ الْمَسْكِينُ أَجْهَدُ مِنْهُ وَ الْبَائِسُ أَجْهَدُ مِنْهُمْ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۵۰۱)؛ فقیر کسی است که از مردم درخواست کمک نمی‌کند، مسکین نیازمندی‌اش از فقیر بیشتر است و بئس یا بینوا از همه نیازمندتر است. بر اساس این روایت، مراتب واقعی نیازمندان واقعی بدین صورت است:



شکل ۱: مراتب نیازمندان واقعی

البته در یک تحلیل نهایی، بحث درباره این که کدام گروه بدحال تر است، بی فایده است؛ چون هر دو گروه به دلیل عدم غنی، مشمول اخذ صدقات و ذکوات می شوند. بنابراین «فقیر و مسکین و بائس در امری عدمی شرکتیند و آن این است که مؤنه سال خود و عیال واجب‌الفقه خود را ندارند و فرق میان ایشان به اعتبار قلت و کثرت احتیاج است» (عسگری و غفورزاده، ۱۳۸۸، ص ۱۱۷).

۱-۲-۱. متکدیان سازمان‌دهنده یا کلّاشان

به کسی که طفل صغیر یا غیر رشیدی را وسیله تکدی قرار دهد یا افرادی را به این امر بگمارد، کلّاش یا متکدی سازمان‌دهنده می‌گوییم (کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی، ماده ۲۱۶، تاریخ تصویب: ۱۳۷۵/۳/۲). این افراد ممکن است خودشان اقدام به تکدی‌گری نکنند، اما با اجیر کردن دیگران، آموزش تکدی‌گری به آنها و سازماندهی آنها در مناطق مختلف شهر، امرار معاش می‌کنند. در این حالت فرد کلّاش یا سازمان‌دهنده این نوع تکدی‌های منسجم و برنامه‌ریزی شده، بهره‌ای از عواید گماشتگان به تکدی‌گری یا تکدی‌پیشگان می‌برد.

به موجب ماده ۲۱۵ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات مجازات‌های بازدارنده)، این افراد به سه ماه تا دو سال حبس و استرداد کلیه اموالی که از این طریق به دست آورده‌اند محکوم می‌شوند (کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی، تاریخ تصویب: ۱۳۷۵/۳/۲).

۱-۳-۱. تکدی‌پیشگان

به افرادی که تکدی‌گری را پیشه خود ساخته‌اند و به آن عادت کرده‌اند، تکدی‌پیشگان می‌گوییم. حال این افراد می‌توانند گماشته کلّاشان باشند، یا به صورت مستقل و تکرر به این پیشه نامشروع مشغول باشند. طبیعتاً اگر این افراد با وجود توان مالی مرتکب عمل فوق شوند، طبق قانون مذکور علاوه بر حبس از یک تا سه ماه، کلیه اموالی که از این طریق به دست آورده‌اند، مصادره خواهد شد (کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی، تاریخ تصویب: ۱۳۷۵/۳/۲).

۱-۲- صدقه

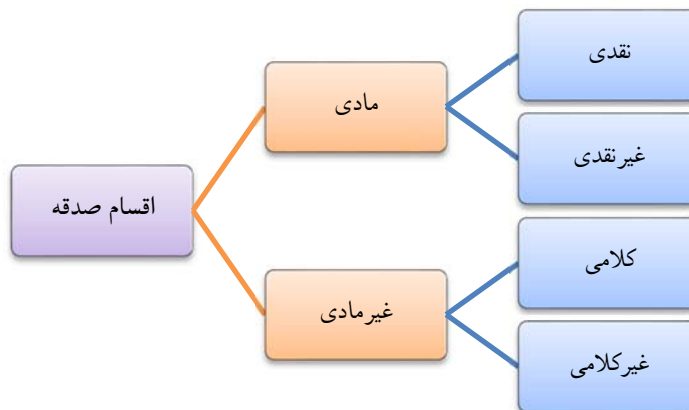
از آنجا که کمک به متکدیان در قالب صدقات قرار می‌گیرد، لازم است پیش از ورود به بحث، به تعریف، اقسام و اولویت‌های صدقه بپردازیم.

۱-۲-۱. تعریف صدقه

وقتی اسم صدقه می آید، عموماً ذهن‌ها به صندوق صدقات یا خیریه‌ها متبادر می‌شود؛ حال آنکه در لسان برخی روایات «هر کار خیر و معروفی» صدقه محسوب می‌شود (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۲۶). رسیدگی به خانواده و نفقه به ایشان، از چنان درجه اهمیتی برخوردار است که آن را هم در زمره صدقات به حساب می‌آورند. امام کاظم (علیه السلام) می‌فرماید: «وَ اعْلَمُ أَنَّ نَفَقَتَكَ عَلَى نَفْسِكَ وَ عِيَالِكَ صَدَقَةٌ»^۱ (منسوب به علی بن موسی، ۱۴۰۶ق، ص ۲۵۵)؛ بدان که نفقه تو نسبت به خود و خانواده‌ات نوعی صدقه است.

۲-۲-۱. اقسام صدقه

با یک تقسیم‌بندی، صدقه می‌تواند مادی یا غیرمادی باشد. صدقه مادی مثل کالا یا پولی است که به فرد نیازمند داده می‌شود و صدقه غیرمادی مثل گفتار نیکو یا لبخند یا شاد کردن فرد نیازمند است. به نوعی می‌توان گفت هرگونه تأمین نیاز دیگران، صدقه محسوب می‌شود. به‌عنوان مثال امام صادق (علیه السلام) در خصوص صدقات غیرمادی در حدیث مرسلی می‌فرماید: «مَا مِنْ عَمَلٍ يَعْمَلُهُ الْمُسْلِمُ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْ إِدْخَالِ الشُّرُورِ عَلَى أَخِيهِ الْمُسْلِمِ»^۲ (کوفی اهوازی، ۱۴۰۴ق، ص ۵۳؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، صص ۱۸۸-۱۸۹)؛ دوست‌داشتنی‌ترین کار نزد خداوند متعال این است که مسلمانی دل برادر مسلمانش را شاد کند.



شکل ۲: اقسام صدقه در کلام اهل بیت (علیهم السلام)

^۱. سند این روایت هرچند ضعیف است اما ضعف سند آن، خللی به مضمون آن که مورد تایید روایات صحیحی دیگر است، وارد نمی‌کند.

^۲. مضمون ادخال سرور و اهمیت آن در روایات صحیحی به صورت مکرر ذکر شده است.

۱-۲-۳. اولویت بندی صدقات

اولویت بندی صدقه را از چند جهت می توان تعیین نمود. رتبه بندی منابع تأمین صدقات و مراتب صدقه گیرندگان.

۱-۳-۲-۱. منبع صدقه

بهترین منبع تأمین صدقه، آن چیزهایی است که از قوت خانواده و نان خورهای انسان اضافه باقی می ماند. در روایت صحیحی، امام صادق (علیه السلام) به نقل از پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) می فرمایند: «أَفْضَلُ الصَّدَقَةِ صَدَقَةٌ عَنْ ظَهْرِ غِنَى ... وَ لَا يَلُومُ اللَّهُ عَلَى الْكَفَافِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۲۶)؛ بهترین صدقه آن است که از مازاد قوت عیال باشد ... و خدای عز و جل کسی را به علت اندوختن رزق کافی برای نان خورهایش سرزنش نمی کند.

بنابراین، صدقه دادن از منابعی که اختصاص به خانواده دارد و باعث می شود نان خورهای انسان در تنگ دستی بیافتند، جایز نیست. در حدیثی، امام باقر (علیه السلام) این نوع از صدقه را نه تنها مستحب نمی دانند، بلکه آن را اسراف می دانند، که اسراف هم جزء محرمات است (عیاشی، ۱۳۸۰ق، ج ۱، ص ۳۷۹).

۱-۳-۲-۲. مراتب صدقه گیرنده

با توجه به توصیه های اهل بیت (علیهم السلام)، صدقه گیرنده ها را می توانیم اولویت گذاری کنیم. بدین صورت که از نخستین مرتبه شروع می کنیم و در صورت بی نیازی هر مرتبه، به مراتب پایین تر می رسیم. طبق آیات و روایات برخی گروه ها از اولویت بیشتری در صدقه گرفتن برخوردارند: نان خورهای زن، نان خورهای مرد، اقوام و خویشان، همسایه ها، برادران دینی.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) در یک قاعده کلی، کسانی که نسبت به انسان وابستگی و قرابت بیشتری دارند را در اولویت صدقه دادن معرفی می کند. در این روایت صحیح آمده است: «كُلُّ مَعْرُوفٍ صَدَقَةٌ... وَ اِبْدَأْ بِمَنْ تَعُولُ»^۳ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۲۶)؛ هر کار خیری صدقه است ... و در صدقه دادن از کسانی آغاز کن که نان خور تو هستند.

در روایت دیگری رسول خدا (صلی الله علیه وآله) می فرماید: «هر کس به بازار برود و تحفه ای برای اهل و عیال خود به خانه بیاورد، همچون حمل کننده صدقه برای گروهی از افراد محتاج است. در صدقه دادن، اول باید به مونثها بدهد و سپس به مذکرها، زیرا هر کس دخترش را شاد کند،

^۳. سند این روایت هرچند ضعیف است، ولی مضمون آن مورد تایید قرائن است.

گویا بنده مؤمنی از فرزندان اسماعیل را در راه خدا آزاد کرده و هر کس پسری را چشم روشن کند گویا از خوف خدا گریسته و هر که از خوف خدای عز و جل گریه کند، خداوند او را وارد بهشت پر نعمت می کند» (ابن بابویه، ۱۳۷۶، ص ۵۷۷).

پس از خانواده، نوبت به خویشاوندان می رسد. در روایتی، پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) می فرماید: «لَا صَدَقَةَ وَ ذُو رَحِمٍ مُّحْتَجٍّ»^۴ (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۶۸). تا وقتی خویشاوند محتاج و نیازمندی دارید، صدقه دادن به غیر خویشاوند روا نیست. جالب توجه اینجاست که اختلاف با خویشاوندان، دلیلی بر صدقه ندادن به آنها نمی شود. در روایت موثقه ای، فردی از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) سؤال کرد: چه صدقه ای با فضیلت تر است؟ ایشان فرمودند: «عَلَى ذِي الرَّحِمِ الْكَاشِحِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۱۰)؛ صدقه به خویشاوندی که دشمنی تو را در دل دارد.

یکی از دلایل افضل بودن صدقه - واجب یا مستحب - به این دسته از خویشاوندان، این است که دشمنی آنها را از بین می برد و مهر و محبت یا نوعی تألیف قلوب، جایگزین آن می گردد (شکرانی و سیدناری، ۱۳۹۶، ص ۵۷). پس از خویشاوند نیز، همسایه های نیازمند، شایسته ترین افراد برای دریافت صدقات هستند. اهمیت این موضوع به قدری بالاست که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) می فرماید: «مَا أَمَنَ بِي مَنْ بَاتَ شَبَعَانَ وَ جَارُهُ جَائِعًا»^۵ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۶۶۸)؛ به من ایمان نیاورده است کسی که شب سر سیر بر زمین بگذارد ولی همسایه اش گرسنه باشد.

پس از همسایه ها، نوبت به صدقه دادن در لایه اخوت و برادری دینی می رسد. صدقه در این لایه، در قالب «مواسات» نمود پیدا می کند؛ «مواساة به معنای شریک و سهم دانستن کسی است با خود در مال و مضایقه نکردن آن از او» (آقا جمال خوانساری، ۱۳۶۶، ج ۶، ص ۱۷۹). مواسات در حفظ دین آنقدر اهمیت دارد که امیرالمومنین (علیه السلام) درباره آن می فرماید: «نِظَامُ الدِّينِ حَصَلَتَانِ إِنْصَافُكَ مِنْ نَفْسِكَ وَ مُوَاسَاةُ إِخْوَانِكَ»^۶ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۴۱۷)؛ نخ تسبیح دین، وابسته به دو خصلت است: برخورد منصفانه با خویشان و مواسات با برادران دینی ات.

^۴. این روایت به طریق ضعیف اما مضمون قوی به ما رسیده است.

^۵. هر چند سند این روایت ضعیف است اما محتوای آن مورد تایید روایات و قرائن فراوان دیگر است.

^۶. این روایت هر چند مرسل است، اما مضمون آن محفوف به قرائن بسیار زیاد در باب مواسات است.

به این ترتیب صدقه گیرندگان را در قالب هرم زیر می‌توانیم اولویت‌بندی کنیم:



شکل ۳: هرم اولویت صدقه‌گیرندگان (آرام، ۱۳۹۸، ص ۱۹۶)

۲. اصول کمک کردن به متکدیان

در این قسمت از مقاله درصدد پاسخ به سوالات اصلی و فرعی مطرح شده هستیم. از دستوراتی دینی می‌توان اصولی برای کمک به متکدیان استخراج نمود. با تدقیق در توصیه‌های ثقلین می‌توانیم بفهمیم، بخشی از این اصول، اختصاصی به دسته خاصی از متکدیان ندارد، اما بخش دیگری ناظر به موارد خاص است.

۲-۱. اصول عام صدقه دادن به متکدیان

اصول عام کمک به متکدیان، اصولی هستند که باید نسبت به تمام متکدیان لحاظ شوند. عمده این اصول از سنخ محرمات و نبایدها هستند، و باید در هنگام صدقه دادن از آنها اجتناب کرد.

۲-۱-۱. حرمت طرد و راندن متکدی

اولین و مهمترین اصل در مواجهه با متکدیان این است که طرد و راندن، بی‌احترامی و استخفاف ایشان، مسلماً حرام است. راندن فقیر می‌تواند مراتب مختلفی داشته باشد، از قبیل ناسزا گفتن، تمسخر، آبروریزی و غیره. خداوند متعال در قرآن کریم صراحتاً از این کار نهی می‌کند: «وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ» (الضحی: ۱۰). واژه «نهَر» به معنای بلند کردن صدا در مقابل درخواست‌کننده به قصد راندن اوست (طوسی، بی‌تا، ج ۱۰، ص ۳۷۰). پس معنای آیه این می‌شود که «هیچ فقیری را از خود مران و وقتی به نزد تو می‌آید، دست رد به سینه او نزن؛ یا او به او غذایی بده یا به نرمی عذر او را بخواه» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰، ص ۷۶۷).



۲-۱-۲. حرمت تحقیر و استخفاف متکدی

به طور کلی تحقیر و کوچک کردن دیگران امری ناپسند است. حال اگر در مواجهه با یک فقیر باشد، مخصوصاً وقتی این فقیر، مؤمن هم باشد، قباح و گناه طرد و تحقیر او، به مراتب بیشتر می شود. در روایتی با سند صحیح از امام صادق (علیه السلام) نقل شده است که: «مبادا هیچ مؤمن فقیری را تحقیر کنید، چرا که هر کس مؤمن فقیری را تحقیر کند و موجبات خفت و خواری او را فراهم آورد، بی تردید خداوند هم او را تحقیر خواهد کرد و تا زمانی که دست از تحقیر بر نداشته یا توبه نکرده باشد، خداوند نسبت به او خشمگین خواهد بود. امام در ادامه فرمودند: هر کس به خاطر فقر و تنگدستی مؤمنی موجبات ذلت و تحقیر او را فراهم آورد، خداوند در روز قیامت در مقابل دیدگان تمام خلایق او را مفتضح خواهد کرد» (ابن بابویه، ۱۴۰۶ق، ص ۲۵۰).

امام صادق (علیه السلام) در روایتی دیگر، دستور مکتوبی به اصحابشان داده، و از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نقل می کنند که: «پروردگرم مرا به دوست داشتن مساکین امر کرد و بدانید که هر کس احدی از مسلمین را تحقیر کند، خداوند لباس خواری بر تن او خواهد کرد و نسبت به او خشمگین خواهد شد تا اینکه مردم هم از دست او به خشم آیند و خشم خداوند شدیدتر است. پس مراعات حال برادران مسکین مسلمان خود را بکنید، چرا که آنها حقی بر گردن شما دارند و باید آنها را دوست داشته باشید. چرا که خداوند، پیامبرش را به دوست داشتن آنها امر کرد. پس هر کس آنچه را که خداوند به دوست داشتن آن امر کرده است، دوست نداشته باشد، بی تردید خدا و رسولش را عصیان کرده است. و هر کس خدا و رسولش را عصیان کند و بر این حالت بمیرد، درحالی مرده است که در زمره گمراهان بوده است»^۷ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۸، ص ۸).

۳-۱-۲. حرمت منت گذاری به متکدی

برخلاف طرد و تحقیر متکدی که هیچ رفع نیازی در آن صورت نمی گیرد و فرایند صدقه دادن شروع نمی شود، گاهی در خلال فرایند صدقه دادن به متکدیان و رفع نیاز نیازمندان، این عمل دچار آفاتی می شود که باید از آنها به شدت پرهیز کرد. از مهمترین این آفات، منت گذاری و آزار و اذیت متکدیان است. منت گذاری به این معناست که فرد بگوید: «مگر من نبودم که به تو بخشش کردم! آیا به تو نیکی نکردم؟! مگر من نبودم که تو را بی نیاز نمودم! و جملاتی امثال این گفتن را منت گذاشتن می گویند» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۶۴۷).

^۷. این حدیث به اسناد متعدد به دست ما رسیده است که حداقل دو سند آن صحیح است.

مَنْت گذاشتن پس از انجام کارهای خیر، عموماً مورد نهی قرار گرفته است و عقوبت‌های دنیوی و اخروی فراوانی برای این عمل زشت ذکر شده است. دسته‌ای از روایات تأکید بر حرام بودن بهشت بر مَنْت‌گذار دارد. در روایتی به سند صحیح، از امام صادق (علیه السلام) نقل شده است: «لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ الْعَاقُ لِوَالِدَيْهِ، وَ الْمُذْمِئُ الْحَثِرُ، وَ الْمَنَانُ بِالْفَعَالِ الْحَثِرُ إِذَا عَمِلَهُ» (حمیری، ۱۴۱۳ق، ص ۸۲)؛ کسی که عاق والدین است، شرابخوار و کسی که بعد از هر کار خیری مَنْت می‌گذارد، وارد بهشت نمی‌شوند.

مجازات مَنْت‌گذار، نه تنها محرومیت از بهشت، بلکه محرومیت از تخطب الهی است. در روایت دیگری ابوذر از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل می‌کند: «ثَلَاثَةٌ لَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ الْمَنَانُ الَّذِي لَا يُعْطِي شَيْئاً إِلَّا بِمِنَّةٍ وَ الْمُسْبِلُ إِزَارَهُ وَ الْمُنْفِقُ سِلْعَتَهُ بِالْحَلْفِ الْفَاجِرِ»^۸ (ابن بابویه، ۱۳۶۲ق، ج ۱، ص ۱۸۴)؛ سه دسته هستند که خداوند متعال با آنها سخنی نمی‌گوید: فرد مَنْت‌گذاری که هیچ چیز را بدون منت به کسی نمی‌دهد و کسی که راه می‌رود و لباسش را - از روی تکبر - به زمین می‌کشد و کسی که کالایش را با قسم دروغ می‌فروشد.

این روایات، دلالت بر این دارند که مَنْت‌گذاشتن باعث حبط اعمال می‌گردد. در روایتی از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) منقول است که: «هرکس نسبت به برادرش کار خیری انجام دهد و سپس به واسطه آن کار خیر مَنْت بر سر او بگذارد، خداوند متعال عمل او را حبط می‌کند و وزر و وبال آن را برای آن فرد ثبت می‌کند و تلاش او را بی‌ثمر می‌کند» (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۱۷). همچنین از امیرالمؤمنین (علیه السلام) منقول است که: «وزر و وبالی که صدقه مَنْت‌گذار برای او دارد، خیلی بیشتر از اجر اوست» (لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ص ۵۰۶).

مَنْت‌گذاشتن در ماجرای کمک به متکدیان و صدقه‌دادن به آنها، از قبح و زشتی بیشتری برخوردار است. از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) منقول است که: «مَنْت‌گذار بر فقرا، در دنیا و آخرت ملعون است. و کسی که بر والدین و برادران و خواهرانش نیز مَنْت می‌گذارد، از رحمت خداوند متعال و ملائکه دور و به آتش نزدیک خواهد بود. هیچ دعایی از او مستجاب نمی‌شود و هیچ کدام از درخواست‌های او به سرانجام نمی‌رسد و خداوند به او در دنیا و آخرت نظر رحمت نمی‌کند» (دیلمی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۱۹۴).

^۸ مضامین روایات در نهی از مَنْت‌گذاشتن به حدی است که ضعف سند روایت اخیر و روایاتی که بعد از این با این مضمون نقل می‌شود، مشکلی در این عرصه ایجاد نمی‌کند.

در جای دیگری ایشان می‌فرمایند: «خداوند تبارک و تعالی مرا از شش خصلت بر حذر داشت و من هم فرزندان اوصیائم و پیروان آنها را از آن برحذر می‌دارم. یکی از این شش خصلت، منت‌گذاری بعد از صدقه دادن است» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۲۲).

۴-۱-۲. حرمت اذیت و آزار متکدی

به همان میزان که منت گذاشتن بر فقرا مورد نهی قرار گرفته است، اذیت و آزار متکدیان نیز، مذمت شده است. اذیت کردن دیگران به این معناست که فرد بگوید: «خداوند مرا از شر تو و گرفتاری‌های تو خلاص کند، همچنین ممکن است معنای اذیت کردن دیگران، صرفاً ترش‌رویی و عبوس کردن چهره باشد، یا آنچه را که به او می‌دهد، او را ناراحت کند، یا اینکه نیازمند را در برابر مقدار چیزی که به او داده، به پاره‌ای از کارهای شخصی‌اش مشغول کند» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۶۴۷). همچنین قطع کردن صحبت یا درد دل متکدی، به نحوی که باعث دل‌شکستگی او شود، یکی دیگر از مصادیق آزار و اذیت اوست (مجلسی، ۱۴۱۴ق، ج ۶، ص ۱۲۳).

فقدان این دو آفت بزرگ صدقه دادن، به قدری مهم است که شرط قبول صدقه بیان شده است. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ لَا يُتْبِعُونَ مَا أَنْفَقُوا مَنًّا وَلَا أَذًى هُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (البقره: ۲۶۲)؛ کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می‌کنند، سپس به دنبال انفاقی که کرده‌اند، منت نمی‌گذارند و آزاری نمی‌رسانند، پاداش آنها نزد پروردگارش محفوظ است؛ و نه ترسی دارند، و نه غمگین می‌شوند.

و در جانب مقابل، منت و اذیت دو عامل نابودکننده صدقه برشمرده شده‌اند. در روایتی از رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در تفسیر آیه ۲۶۴ سوره مبارکه بقره، نقل شده است: «مَنْ أَسَدَى إِلَى مُؤْمِنٍ مَعْرُوفًا ثُمَّ آذَاهُ بِالْكَلامِ أَوْ مَنَّ عَلَيْهِ فَقَدْ أَبْطَلَ اللَّهُ صَدَقَتَهُ ثُمَّ ضَرَبَ اللَّهُ فِيهِ مَثَلًا فَقَالَ «كَالَّذِي يُنْفِقُ مَالَهُ رِثَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ صَفْوَانَ عَلَيْهِ ثَرَابٌ فَأَصَابَهُ وَابِلٌ فَتَرَكَهُ صَلْدًا لَا يَقْدِرُونَ عَلَى شَيْءٍ مِمَّا كَسَبُوا وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ» وَقَالَ مَنْ أَكْثَرَ مِنْهُ وَأَذَاهُ لِمَنْ يَتَصَدَّقُ عَلَيْهِ بَطَلَتْ صَدَقَتُهُ كَمَا يَبْطُلُ الثَّرَابُ الَّذِي يَكُونُ عَلَى صَفْوَانَ»^۹ (قمی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۹۱).

«هر کس به مؤمنی خیری برساند، سپس با گفتار خود او را اذیت کند یا بر او منت بگذارد، خداوند متعال کار خیر و صدقه او را باطل می‌کند. سپس خداوند متعال در این باره مثلی می‌زند و می‌گوید: «مانند کسی که مالش را برای خودنمایی به مردم، انفاق می‌کند و به خدا و روز

^۹ هرچند این روایت مرسل است، اما با توجه به قراین مختلف معتبر است.

بازپسین ایمان ندارد. پس مَثَلِ او همچون مَثَلِ سنگِ خارا می‌باشد که بر روی آن، خاکی نشسته است، و رگباری به آن رسیده و آن سنگ را سخت و صاف بر جای نهاده است. آنان ریاکاران نیز از آنچه به دست آورده‌اند، بهره‌ای نمی‌برند؛ و خداوند، گروه کافران را هدایت نمی‌کند. هر کسی مَنّت و اذیت او نسبت به کسی که به او صدقه می‌دهد زیاد شود، صدقه او باطل می‌شود همانطور که خاک روی تخته‌سنگ بزرگ زائل می‌شود.

همچنین در روایت دیگری، از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در این باره نقل شده است: «مَنْ أَسَدَى إِلَى مُؤْمِنٍ مَعْرُوفًا ثُمَّ آذَاهُ بِالْكَلَامِ أَوْ مَنْ عَلَيْهِ فَقَدْ أَبْطَلَ اللَّهُ صَدَقَتَهُ»^{۱۰} (قمی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۹۱)؛ هر کس کار خیری برای مومنی انجام دهد و سپس او را با گفتار خود اذیت کند یا بر او مَنّت بگذارد، قطعاً خداوند صدقه او را باطل می‌کند.

مَنّت و اذیت متکدی به قدری مذموم است که صدقه ندادن، از صدقه همراه با منت و اذیت بهتر است و خداوند متعال به جای آن، دستور به گفتار نیکو با متکدیان می‌دهد: «قَوْلٌ مَعْرُوفٌ وَمَغْفِرَةٌ خَيْرٌ مِنْ صَدَقَةٍ يَتْبَعُهَا أَذًى وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَلِيمٌ» (البقره: ۲۶۳)؛ گفتار پسندیده در برابر نیازمندان، و عفو و گذشت از خشونت‌های آنها، از بخششی که آزاری به دنبال آن باشد، بهتر است؛ و خداوند، بی‌نیاز و بردبار است.

فیض کاشانی در تفسیر این آیه یکی از معانی محتمل برای مغفرت در این آیه را اینگونه بیان می‌کنند که همین گفتار نیکو با متکدی و برخورد نیکو با او، سبب غفران الهی می‌شود (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۲۹۶). بنابراین دعا و روی خوش به متکدی بهتر از کمک با مَنّت و اذیت است.

۲-۱-۴-۱. عقوبت اذیت و آزار فقیر مؤمن

آزار و اذیت دیگران به صورت کلی مذموم است. اما اگر فردی که مورد آزار و اذیت قرار می‌گیرد، مؤمن باشد، این کار بسیار مذموم‌تر است. در روایتی مرسل، از امام صادق (علیه السلام) منقول است که: «نَزَلَ جِبْرِئِيلُ عَلَى النَّبِيِّ (صلی الله علیه و آله و سلم) وَقَالَ لَهُ يَا مُحَمَّدُ إِنَّ رَبَّكَ يَقُولُ مَنْ أَهَانَ عَبْدِي الْمُؤْمِنَ فَقَدْ اسْتَقْبَلَنِي بِالْمُحَارَبَةِ» (کوفی اهوازی، ۱۴۰۴ق، ص ۶۹)؛ جبرئیل بر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نازل شد و خطاب به ایشان گفت: ای محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) همانا پروردگارت می‌گوید: هر کس بنده مؤمن مرا مورد اهانت قرار دهد، قطعاً خود را برای محاربه با من آماده کرده است.

^{۱۰}. این روایت مرسل است، اما با توجه به قراین متعدد، معتبر است.



در روایت صحیحیهی دیگری در خصوص بی تفاوتی نسبت به خذلان برادر دینی می‌فرمایند: «مَا مِنْ مُؤْمِنٍ يَخْذُلُ أَخَاهُ وَ هُوَ يَقْدِرُ عَلَى نُصْرَتِهِ إِلَّا خَذَلَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ» (ابن بابویه، ۱۳۷۶، ص ۴۸۶)؛ هیچ مؤمنی نیست که در عین توانایی نصرت برادر دینی‌اش او را خوار کند، مگر اینکه خداوند عزوجل او را در دنیا و آخرت خوار و خفیف می‌گرداند. با توجه به روایت فوق گاهی خوار و خفیف کردن با نحوه صدقه دادن یا طرد فقیر حاصل می‌شود و در برخی موارد با عدم تأمین نیاز متکدی، باعث می‌شود تا او به خفت و خواری بیافتد.

حال اگر این فرد مؤمن، فقیر و نیازمند هم باشد، اذیت و آزار او بسیار بسیار مذموم‌تر و عقاب این عمل سنگین‌تر است. در روایتی مرسل، رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) درباره حرمت و جایگاه مؤمن فقیر می‌فرمایند: «نزد خداوند متعال، حرمت مؤمن فقیر از هفت آسمان و هفت زمین و ملائکه و کوه‌ها و هرچه در آن است بالاتر است» (دیلمی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۱۹۴).

از همین رو در روایت مرسل دیگری، اذیت مؤمن فقیر اثرات مخربی متناسب با جایگاه بالای او دارد: «هر کس مؤمن فقیری را به ناحق اذیت کند، گویا مکه و خانه خدا را ده بار ویران کرده است و انگار که هزار فرشته از فرشتگان مقرب را به قتل رسانده است» (دیلمی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۱۹۴).

در مرسله دیگری از امام صادق (علیه‌السلام) نقل شده است که تنها راه ممانعت از عقوبت تحقیر مؤمن فقیر، جبران مافات و إعادة حیثیت اوست: «مَنْ حَقَّرَ مُؤْمِنًا مَسْكِينًا لَمْ يَزَلِ اللَّهُ لَهُ حَاقِرًا مَا قَاتَا حَتَّى يَرْجِعَ عَنْ مُحَقَّرَتِهِ إِيَّاهُ» (ابن همام اسکافی، ۱۴۰۴ق، ص ۵۰؛ عده‌ای از علما، ۱۳۶۳، ص ۱۰۹ و ۳۱۸)؛ هر کس مؤمن مسکینی را تحقیر کند، خداوند متعال تا زمانی که از تحقیر او دست بردارد - و اعاده حیثیت کند - نسبت به او تحقیر کننده و خشمگین خواهد بود.^{۱۱}

۲-۱-۴-۲. شاخص خوار و خفیف کردن متکدی مؤمن

یکی از مهمترین شاخصه‌هایی که برای استخفاف متکدیان ذکر شده است، این است که به جای یافتن متکدیان حقیقی و کمک به آنها، کاری کنیم تا متکدیان به درب خانه ما مراجعه کنند و با این کار، آبروی آنها در معرض خطر قرار گیرد. اسحاق بن عمار در موثقه‌ی معتبری نقل می‌کند: «روزی امام صادق (علیه‌السلام) از من پرسیدند: «وقتی موقع خارج کردن زکات مالت می‌رسد، آن را چگونه پرداخت می‌کنی؟»

^{۱۱}. شایان ذکر است که قرائن اطمینان بخش در باب روایات این موضوع به حدی است که ضعف اسناد این روایات خدشه‌ای در محتوای آنها از جهت حرمت آزار مومن فقیر ایجاد نمی‌کند.

اسحاق در جواب می‌گویند: «به درب خانه من مراجعه می‌کنند و من زکات مالم را به آنها می‌دهم». امام در پاسخ به او می‌فرماید: «مَا أَرَاكَ يَا إِسْحَاقُ إِلَّا وَ قَدْ أَذَلَّتِ الْمُؤْمِنَ فَيَاكَ إِيَّاكَ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ مَنْ أَدَّلَ لِي وَلِيًّا فَقَدْ أَرَصَدَ لِي بِالْمُحَارَبَةِ» (مفید، ۱۳۴۱ق، ص ۱۷۷)؛ تو را چه شده است که با این کار باعث ذلت و خواری مومن می‌شوی؟! پس هرگز هرگز چنین کاری را نکن. بی‌شک خداوند متعال می‌فرماید: «هر کس یکی از اولیاء مرا ذلیل کند، پس به جنگ رودر رو با من برخواسته است».

۳-۱-۲. میزان کمک به متکدیان واجب الإنفاق در طول یک روز

پس از برشمردن منهیات عام صدقه‌دادن، نوبت به باید‌های آن می‌رسد. سؤال مهمی که در اینجا مطرح می‌شود این است که در یک روز بهتر است به چند متکدی کمک کرد؟

۱-۳-۱-۲. حدأقل کمک به متکدیان لازم الإنفاق در یک روز

به طور کلی مستحب است انسان هر روز چیزی انفاق کند، حتی اگر فقری از انسان درخواست کمک نکرده باشد. در روایتی، با سند صحیح نقل شده است که روزی امام رضا (ع) به خدمتکارشان فرمودند: «امروز در راه خدا چیزی داده‌ای؟» گفت: نه به خدا. امام رضا (ع) در پاسخ فرمودند: «فَمِنْ أَيْنَ يُخْلِفُ اللَّهُ عَلَيْنَا أَنْفَقَ وَ لَوْ ذَرْهَمًا وَاحِدًا» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۴۴)؛ بنابراین از کجا خدا به ما عوض عنایت کند؟ انفاق کن، هر چند یک درهم باشد. شیخ حرعاملی ذیل این روایت فتوا می‌دهند که «مستحب است انسان هر روز چیزی انفاق کند» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۹، ص ۶۶).

۲-۳-۱-۲. حدأكثر کمک به متکدیان لازم الإنفاق در یک روز

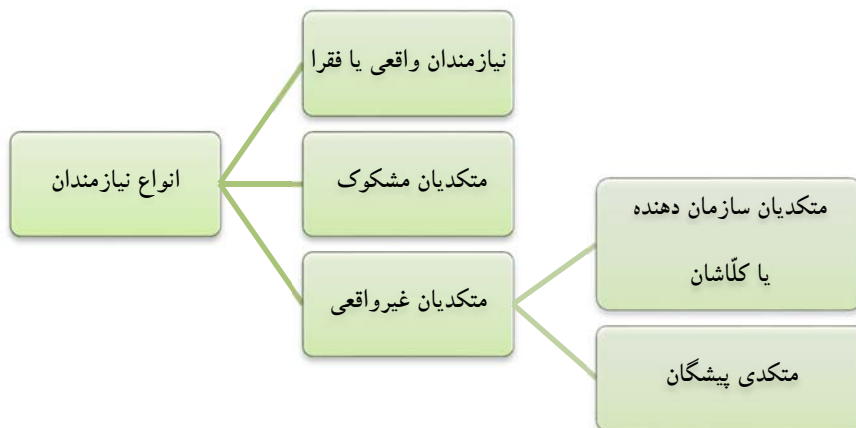
تعداد فقرایی که در یک روز به انسان مراجعه می‌کنند و انسان بهتر است به آنها رسیدگی کند، حدأكثر سه نفر هستند. در روایت موثقه‌ای، علی بن حمزه می‌گوید که از امام صادق (ع) شنیدم: «فِي السُّؤَالِ أَطْعَمُوا ثَلَاثَةً إِنْ شِئْتُمْ أَنْ تَزِدُواوَا فَارْزُدُواوَا وَإِلَّا فَقَدْ أَذَيْتُمْ حَقَّ يَوْمِكُمْ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۱۷)؛ در مورد درخواست‌ها و اظهارنیازهایی که نسبت به شما می‌شود، سه نفر را اطعام کنید و اگر دوست داشتید بیش از سه نفر را تأمین کنید، اما اگر این کار را نکردید، حق آن روز خودتان را ادا کرده‌اید.

ولیدبن صبیح در روایتی به سند صحیح نقل می‌کند که: «نزد امام صادق (ع) بودم که گدایی به ایشان مراجعه کرد و امام به او چیزی دادند، سپس فقیر دیگری آمد و امام به او چیزی دادند،

و سپس فقیر دیگری آمد و امام به او هم چیزی دادند، سپس فقیر دیگری آمد، پس امام در حق او دعا کردند و گفتند: خداوند به تو وسعت دهد. سپس فرمودند: «إِنَّ رَجُلًا لَوْ كَانَ لَهُ مَالٌ يَبْلُغُ ثَلَاثِينَ أَوْ أَرْبَعِينَ أَلْفَ دِرْهَمٍ ثُمَّ شَاءَ أَنْ لَا يَبْقَى مِنْهَا إِلَّا وَضَعَهَا فِي حَقِّ لَفْعَلٍ فَيَبْقَى لَا مَالَ لَهُ فَيَكُونُ مِنْ الثَّلَاثَةِ الَّذِينَ يُرَدُّ دُعَاؤُهُمْ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۱۶)؛ اگر کسی به اندازه سی یا چهل هزار درهم مال داشته باشد و بخواهد تمام این اموال را در راه حق بخشش کند، می تواند، اما در زمره آن سه گروهی قرار خواهد گرفت که دعایشان مستجاب نمی شود.

۲-۲. اصول خاص کمک به متکدیان

متکدیان را می توان برحسب علم ما به فقرشان به چند دسته تقسیم بندی کرد؛ متکدیانی که می دانیم، واقعاً فقیر هستند، متکدیانی که به فقر آنها مشکوک هستیم، متکدیانی که می دانیم فقیر نیستند. اصول مواجهه با هر کدام از این متکدیان، با متکدیان دیگر در تفاوت است.



شکل ۴: انواع نیازمندان

۲-۲-۱. اصول کمک به نیازمندان واقعی (فقرا یا مساکین)

رسیدگی به فقرا یکی از مهمترین دستورات دینی است. در روایتی که به سند صحیح به ما رسیده است، امیرالمؤمنین (علیه السلام) اینگونه درباره فقرا و مساکین وصیت می کند: «اللَّهُ اللَّهُ فِي الْفُقَرَاءِ وَ الْمَسَاكِينِ، فَشَارِكُوهُمْ فِي مَعَايَشِكُمْ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۵۲)؛ شما را به خدا قسم، به خدا سوگند که نسبت به فقیران و مساکین بی توجه نباشید، پس آنها را در معیشتان شریک کنید.

حال اگر این فقیر علاوه بر مسلمان بودن محبّ اهل بیت (علیهم السلام) و شیعه نیز باشد، باید بیش از تأمین نیازهای اولیه، به رفع مشکلات او پرداخت. پس اگر فقر واقعی یک مؤمن یا فردی که در ظاهر مؤمن است برای ما معلوم شد، باید به او در حد توان خودمان کمک کنیم.

محمد بن عجلان در روایتی، نقل می‌کند که نزد امام صادق (علیه السلام) بودم و مردی وارد شد و بر امام سلام کرد. امام از او پرسیدند: «حال و روز برادران دینی‌ات چطور است؟» محمد بن عجلان هم تا می‌توانست در ثنای برادرانش و تعریف و تمجید از آنها گفت. در این میان، امام از او پرسیدند: «كَيْفَ عِيَادَةُ أَعْيَانِهِمْ عَلَي فُقَرَائِهِمْ؟» نحوه رسیدگی و سرکشی مؤمنین ثروتمند از فقیر چگونه است؟ گفت: خیلی کم.

امام فرمودند: «كَيْفَ مُشَاهَدَةُ أَعْيَانِهِمْ لِفُقَرَائِهِمْ؟» نشست و برخاست ثروتمندان آنها با فقرایشان چگونه است؟ گفت: بسیار ناچیز.

امام مجدد فرمودند: «قَالَ فَكَيْفَ صِلَةُ أَعْيَانِهِمْ لِفُقَرَائِهِمْ فِي ذَاتِ أَيْدِيهِمْ؟» رسیدگی مالی ثروتمندان آنها با آنچه در دست دارند نسبت به فقرایشان چگونه است؟ محمد بن عجلان می‌گوید: اخلاق و مرامی را ذکر می‌کنید که به ندرت در میان اهالی منطقه ما وجود دارد! پس امام در پاسخ فرمودند: «فَكَيْفَ تَزْعُمُ هَؤُلَاءِ أَنَّهُمْ شِيعَةٌ؟» پس چگونه اینها خیال می‌کنند که شیعه هستند؟! (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۱۷۳).^{۱۲}

از عبارت «فقرائهم» می‌توان برداشت کرد که هر کسی به واسطه سکونت در یک منطقه یا محله فقرایی دارد که باید اولاً آنها را شناسایی کند و ثانیاً به نیازهای مادی و غیرمادی ایشان رسیدگی نماید.

گاهی انسان خودش توان کافی برای کمک به نیازمندان واقعی را ندارد. در این حالت وظیفه دارد، دیگران را برای کمک به آنها تشویق کند. در قرآن کریم، یکی از علل مهم جهنمی شدن افراد، همین تشویق نکردن دیگران به کار خیر و نیک، و اطعام مساکین بیان شده است مانند: «وَلَا يَخُضُّ عَلَى طَعَامِ الْمَسْكِينِ» و «وَلَا تَخَاضُونَ عَلَى طَعَامِ الْمَسْكِينِ» (الحاقه: ۳۴؛ ماعون: ۳؛ الفجر: ۱۸).

مصطفوی در تفسیر این آیات کریمه می‌فرماید:

«این آیات فی الواقع در حال مذمت گروهی است که با تفقّد و دلجویی و نیکی کردن، یتیم را از ذلت درخواست بی‌نیاز نمی‌کنند و اطرافیان خود را فارغ از دیگران، بر اطعام مسکین تشویق نمی‌کنند. بنابراین وقتی تشویق

^{۱۲} این روایت هر چند به لحاظ سند ضعیف است، ولی به لحاظ مضمون قوی است.

نکردن دیگران به کار خیر که مقدمه انجام آن است را خداوند متعال تقبیح می‌کند، نشان می‌دهد که ممانعت از یاری دیگران، به مراتب قبیح‌تر است. باید در نظر داشت که توجه و انگیزه برای اطعام مسکین اعم از غذا دادن و سفره پهن کردن برای مسکین، یا قبول دعوت آنها، یا آماده‌سازی غذا برای آنها و تدبیر در امر معاش آنهاست» (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۲، صص ۲۴۱-۲۴۲).

۲-۲-۲. اصول کمک به متکدیان مشکوک

عمده متکدیانی که در طول روز با آنها مواجهه می‌شویم، متکدیانی هستند که حتی علم إجمالي نسبت به فقر آنها نداریم و نمی‌دانیم فقیر هستند یا متکدی‌پیشه. در مواجهه با این دسته از متکدیان، می‌توانیم چند اصل را استخراج کنیم:

۲-۲-۲-۱. اصل را بر صداقت گذاشتن و در عین حال اندک کمک کردن

کمک به کسی که نمی‌دانیم متکدی واقعی است یا نه، بهتر است از کمک نکردن به او، اما در عین حال این کمک نباید زیاد باشد. به عبارت دیگر، در موارد شک اینکه درخواست کننده آیا فقیر است یا فقیرنما، بهتر است اصل را بر صداقت او بگذاریم.

در مرسله‌ای از امام باقر (علیه السلام) نقل شده است که مردی نزد پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) آمد و گفت: یا رسول الله! آیا در مال حقی به جز زکات وجود دارد؟ پیامبر پاسخ مثبت دادند و فرمودند: «عَلَى الْمُسْلِمِ أَنْ يُطْعِمَ الْجَائِعَ إِذَا سَأَلَهُ وَ يَكْسُو الْعَارِيَ إِذَا سَأَلَهُ»؛ مسلمان باید هنگامی که فرد گرسنه‌ای از او طلب غذا می‌کند را سیر کند و هنگامی که فرد برهنه‌ای از او درخواست می‌کند او را بپوشاند. آن فرد پرسید: آخر خوف آن می‌رود که آن فقیر دروغگو باشد. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در جواب فرمودند: «أَفَلَا يَخَافُ صِدْقَهُ»؟! (شعیری، بی‌تا، ص ۱۳۶)؛ آیا نمی‌ترسد از اینکه آن فقیر راست گفته باشد؟!.

درست است که برخی از متکدیان دروغگو هستند، اما نمی‌توان همه متکدیان را دروغگو یا تمام اظهار نیازهای آنها را دروغ خواند. در روایتی از حضرت رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) منقول است که «لَا تَقْطَعُوا عَلَى السَّائِلِ مَسْأَلَتَهُ فَلَوْلَا أَنَّ الْمَسَاكِينَ يَكْذِبُونَ مَا أَفْلَحَ مَنْ رَدَّهُمْ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۱۵؛ ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۶۹؛ مفید، ۱۴۱۳، ص ۲۶۷؛ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۱۱۰)؛ دست رد به سینه متکدیان نزنید، زیرا اگر نبود که برخی مساکین دروغ می‌گویند، هیچگاه کسی که آنها رد می‌کرد، رستگار نمی‌شد.

به عنوان مثال «اگر گدایی یک کیسه نان در دست داشته باشد و به انسان بگوید: «سه روز است که غذا نخورده‌ام!» نمی‌توان فوراً او را دروغگو خواند؛ شاید مریضی‌ای داشته باشد که نتواند نان بخورد و می‌خواهد با جمع‌آوری نان و فروش آن، غذایی متناسب با بیماری‌اش خریداری کند» (مجلسی، ۱۴۱۴ق، ج ۶، ص ۱۲۴).

در روایتی، فردی از امام صادق (ع) درباره متکدیانی سؤال می‌کند که اطلاعات درستی درباره آنها ندارد. امام در پاسخ می‌فرماید: «أَعْطِ مَنْ وَقَعَتْ فِي قَلْبِكَ الرَّحْمَةُ لَهُ وَ قَالَ أَعْطِهِ دُونَ الدِّرْهَمِ قُلْتُ أَكْثَرَ مَا يُعْطَى قَالَ أَزْبَعَةُ دَوَانِيقٍ»^{۱۳} (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۶۸؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۱۴)؛ به سائلی که در دل خود نسبت به او احساس رحم کردی چیزی بده. و فرمودند: پائین‌تر از درهم به او عطا کن. گفتم: بیشترین چیزی که عطا می‌شود چیست؟ فرمودند: آن چهار داتق یعنی چهار ششم یک درهم است.

از این روایت می‌توانیم نتیجه بگیریم که اولاً یک شاخص کمک به متکدیان، حالات قلبی انسان است و ثانیاً در مواردی که انسان به فرد متکدی مشکوک است، نباید مقدار زیادی به او کمک کند و باید به حداقل‌ها بسنده نماید. شاید یکی از دلایل این کمک اندک این باشد که «کسی که دست خود را در مقابل مردم دراز کرده و گدایی می‌کند، چون حرمت خود را حفظ نکرده است، پس بخشش بیش از حد به او هم، زشت و ناپسند می‌شود» (مجلسی، ۱۴۱۴ق، ج ۶، ص ۱۲۰).

ابوحمره ثمالی در این باره روایتی نقل کرده است که به سند صحیح به دست ما رسیده است؛ او می‌گوید: «یک روز جمعه، نماز صبح را با حضرت امام زین العابدین (ع) در مسجد مدینه ادا نمودم و چون آن حضرت از نماز و تعقیبات فارغ شدند، به سوی منزل خود حرکت فرمودند و من در همراهی آن حضرت بودم، وقتی به خانه رسیدیم آن حضرت کنیز خود را که سکینه نام داشت، طلبیدند و به او فرمودند: «هر گدایی به در خانه مراجعه کرد، او را محروم نکنید و به او غذا بدهید، زیرا امروز جمعه است. من عرض کردم: اینطور نیست که هر کسی که گدایی کرد، مستحق باشد! امام در پاسخ فرمودند: «أَخَافُ أَنْ يَكُونَ بَعْضُ مَنْ يَسْأَلُنَا حُجًّا فَلَا نُطْعِمُهُ وَ نَزَدَهُ فَيَنْزِلُ بِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ مَا نَزَلَ بِعُقُوبِ وَ آلِهِ أَطْعَمُوهُمْ أَطْعَمُوهُمْ»؛ ای ابوحمره! می‌ترسم که بعضی از آنها که گدایی می‌کنند، مستحق حقیقی باشند و به ایشان چیزی ندهیم و همان بلایی که بر

^{۱۳}. شایان ذکر است که ضعف سند این روایات، خللی ایجاد نمی‌کند، زیرا این مضامین مورد تایید قرائن است و به طرق صحیح نیز نقل شده است به عنوان مثال این نوع رفتار در سیره اهل بیت (ع) هم به وضوح دیده می‌شود.

سر حضرت یعقوب و خاندانش نازل شد بر ما اهل بیت نازل شود. حتماً به آنها غذا بدهید (ابن بابویه، ۱۳۸۵، ج ۱، صص ۴۵-۴۶).^{۱۴}

۲-۲-۲-۲. خجالت نکشیدن از بخشش اندک

در کمک به متکدیان مشکوک، لازم نیست مال یا شیء باارزشی انفاق شود، بلکه با یک حبه انگور یا بخشی از خرما می توان به فقیر کمک کرد. امیرالمؤمنین (علیه السلام) در تبیین این قاعده می فرماید: «لَا تَسْتَحِ مِنْ إِعْطَاءِ الْقَلِيلِ فَإِنَّ الْحَرَمَانَ أَقَلُّ مِنْهُ» (شریف الرضی، ۱۴۱۴ق، ص ۴۷۹)؛ از بخشش اندک حیا نکن، چرا که محروم کردن دیگران از آن، ناچیزتر از آن و ناشایسته تر است.

درباره مصادیق این بخشش اندک نیز روایات فراوانی از معصومین (علیهم السلام) وارد شده است. در روایتی از پیامبر (صلی الله علیه وآله) نقل شده است که: «هیچ درخواست کننده ای را از خود مران؛ حتی شده با یک سُم سوخته، دست رد به سینه او نزن» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۱۵).

در اینجا عبارت «سُم سوخته» کنایه از بخشش به میزان بسیار کم است و مقصود این است که متکدیان را رد نکنید و هرچند مقداری نان خشک دارید، به او بدهید (مجلسی، ۱۴۱۴ق، ج ۶، ص ۱۲۴). همچنین در روایت مرسل دیگری امیرالمؤمنین (علیه السلام) خطاب به کمیل می فرماید: «ای کمیل! به مسکین ها صدقه بده و هیچ نیازمندی را مران، هرچند شده با یک حبه انگور یا نیمی از یک خرما از او پذیرایی کن»^{۱۵} (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳، ص ۱۷۲).

در روایتی به سند صحیح، امام صادق (علیه السلام) به نقل از رسول خدا (صلی الله علیه وآله) می فرماید: «تَصَدَّقُوا وَ لَوْ بِصَاعٍ مِنْ تَمْرٍ وَ لَوْ بِبَعْضِ صَاعٍ وَ لَوْ بِقَبْضَةٍ وَ لَوْ بِبَعْضِ قَبْضَةٍ وَ لَوْ بِبِتْمَرَةٍ وَ لَوْ بِبِشْقِ تَمْرَةٍ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَبِكَلِمَةٍ لَيْتَةٍ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۴)؛ صدقه بدهید، حتی شده با یک خوشه خرما، حتی با بخشی از خوشه خرما، حتی با یک مشت خرما، حتی با کمتر از یک مشت خرما، حتی با یک خرما، حتی با نصف خرما. و هر کس هیچ چیزی برای صدقه دادن ندارد، با دیگران به نرمی سخن بگوید تا صدقه محسوب شود.

از روایات فوق می توان فهمید اولاً به صرف تشکیک در فقر متکدی، نمی توان از کمک به او دست کشید و او را طرد نمود. ثانیاً در کمک به متکدیان مشکوک بهتر است به حداقل کمک بسنده شود و از این کمک حداقلی شرم و حیا نمود.

^{۱۴}. شایان ذکر است که این روایت دچار مشکلاتی از لحاظ مباحث کلامی است که در جای خود قابل حل است.

^{۱۵}. شایان ذکر است که از سال و ضعف سند این روایات اشکالی ایجاد نمی کند، زیرا علاوه بر تقویت آنها با قرائن این مضامین به سند صحیح نیز روایت شده است.

۲-۲-۳. دعا برای متکدی در صورت ناراحتی او از کمک اندک

اگر متکدی مشکوک‌الصدق از صدقه کم ناراحت شد و آن را از صدقه‌دهنده قبول نکرد، صدقه‌دهنده آن را پس می‌گیرد و دعا می‌کند که خداوند برکت آن مال برگشتی را به خودش برگرداند. در روایت موثقه‌ای، مسمع بن عبدالملک نقل می‌کند: «در منی خدمت امام صادق (علیه‌السلام) نشسته بودیم و انگور تناول می‌کردیم. سائلی آمد و درخواست کمک کرد. امام صادق (علیه‌السلام) فرمودند: «این خوشه انگور را به او بدهید». مرد سائل گفت: «نیازی به خوشه انگور ندارم! اگر درهمی باشد می‌پذیرم». امام فرمودند: «خداوند خودش وسعت و فراخی نعمت بدهد». آن مرد سائل رفت، اما بعد از چند دقیقه بازگشت و گفت: «همان خوشه انگور را بدهید!» امام صادق (علیه‌السلام) چیزی به او ندادند و فرمودند: «خداوند وسعت و نعمت ارزانی دارد».

چیزی از این ماجرا نگذشته بود که متکدی دیگری آمد و امام صادق (علیه‌السلام) سه حبه انگور برداشتند و در دست او گذاشتند. مرد سائل سه حبه را گرفت و گفت: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ». خدا را سپاس که به من روزی داد امام صادق (علیه‌السلام) گفتند: «قدری صبر کن». و بعد هر دو دست خود را پر از انگور کردند و به سائل داد. فرد متکدی انگور را گرفت و گفت: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ». امام صادق (علیه‌السلام) به او فرمودند: «باز هم صبر کن». و بعد به غلام خود گفتند: «آیا چیزی در کیسه داری؟» غلام پول‌های کیسه را بیرون آورد و ما تخمین زدیم که در حدود بیست درهم باشد.

امام صادق (علیه‌السلام) پول‌ها را گرفتند و به متکدی دادند. آن فرد متکدی پول‌ها را گرفت و گفت: «الحمد لله». خدایا این نعمت از تو است، از تو که شریک و هم‌تانداری. باز امام صادق (علیه‌السلام) گفتند: «چند لحظه صبر کن». و بعد پیراهن خود را از تن خود بیرون آورد و به متکدی دادند و گفتند: این پیراهن را بپوش. متکدی پیراهن را گرفت و پوشید و گفت: «خدا را شکر که بر تن عریان من لباس پوشید» و گویا گفت: «ای امام صادق (علیه‌السلام) داوند به تو جزای نیک دهد» و غیر از این دعائی نکرد، و رفت. بعدها ما با خود فکر کردیم که اگر برای امام صادق (علیه‌السلام) دعا نمی‌کرد، ایشان همواره به خاطر سپاس خدا، بر عطای خود می‌افزودند» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۴۹).

شیخ حرّ عاملی در خصوص این دسته از فقرا اینگونه فتوا می‌دهند: «مستحب است متکدی به چیزی که به او می‌دهند قانع باشد و در حق دهنده دعا کند و مستحب است انسان به متکدی قانع و شکرگذار مقدار بیشتری کمک کند و متکدی ناشاکر و پرتوقع را به نیکی رد کند» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۹، ص ۳۹۱).

۲-۲-۴. حرمت کمک بیشتر از حدأقل به متکدیان مشکوک به متکدی‌پیشگی

به طور کلی، مستحب است انسان به متکدیانی که در فقر آنها شک دارد، به صورت حدأقلی کمک کند. اما در خصوص متکدیانی که نه تنها به فقر آنها بلکه در خصوص امرار معاش یا عادت آنها به تکدی هم شک وجود دارد، کمک بیشتر از حدأقل حرام است؛ حال یا دعایی در حق آنها می‌کند و کلام خوشی به آنها می‌گوید یا اینکه به مقدار حدأقلی به ایشان کمک مادی می‌کند. ادله حرمت کمک بیش از حدأقل برای این دسته از فقرا به صورت زیر قابل توضیح است:

دلیل اول) حرمت تعاون بر اثم

اگر نحوه کمک به متکدیان یا تکدی‌گری به نحوی شد که مصداق کمک در راه گناه باشد، دادن و گرفتن صدقه حرام می‌شود.^{۱۶} خداوند متعال در قرآن کریم در خصوص تعاون بر گناه می‌فرماید: «... وَ تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَى وَ لَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَ الْعُدْوَانِ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ» (المائدة: ۲)؛ و در کار خیر و تقوا با یکدیگر همکاری کنید، اما در کار گناه و دشمنی با یکدیگر همکاری نکنید و تقوای الهی را پیشه کنید، بی‌تردید خداوند عقوبت سختی را مقرر داشته است. از آنجا که تکدی سازمان یافته یک گناه و معضله اجتماعی است، بنابراین کمک به این متکدیان نباید به گونه‌ای باشد که باعث تقویت یک گناه باشد.

فقها نیز از این آیه کریمه، قاعده «حرمت إعانه بر اثم و عدوان» را استنباط کرده‌اند (بیجنوردی، ۱۴۰۱ق، ج ۲، ص ۲۲۵). علامه طباطبایی^(ره) نیز، حرمت تعاون بر اثم را اساس سنت اسلامی معرفی می‌کند و آن را شامل هرکاری می‌داند که باعث تأخیر در تشکیل جامعه آرمانی اسلامی گردد (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۵، ص ۱۶۳). از آنجا که تکدی سازمان یافته یک گناه و معضل اجتماعی است، کمک به این دسته از متکدیان، مصداق قاعده «حرمت اعانت بر اثم» می‌شود.

دلیل دوم) حرمت اکل مال به باطل

در خصوص اکل مال به باطل در قرآن کریم آمده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ كَثِيرًا مِنَ الْأَخْبَارِ وَ الرُّهْبَانِ لَيَأْكُلُونَ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَ يَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ...» (التوبة: ۳۴)؛ ای کسانی که ایمان

^{۱۶}. برای مطالعه بیشتر احکام صدقه ر.ک: (کلینی، ۱۴۰۷ق، تَمَمُّ كِتَابِ الزَّكَاةِ، أَبْوَابُ الصَّدَقَةِ).

آورده‌اید، بی‌تردید تعداد زیادی از احبار و رهبانیت اموال مردم را به باطل می‌خورند و در برابر راه خدا مانع ایجاد می‌کنند. نظر به این آیه کریمه، اموالی که متکدیان سازمان‌یافته جمع‌آوری می‌کنند، شبهه حرمت دارد. به طور خلاصه صورت‌بندی دلیل وجوب کمک حد‌اقلی به متکدیان مشکوک به سازمان‌یافته بودن اینگونه می‌شود:

مقدمه ۱: تعاون بر گناه و معضلات اجتماعی حرام است.

مقدمه ۲: تکدی سازمان‌یافته، یک گناه و معضل اجتماعی است.

نتیجه‌گیری: تقویت تکدی سازمان‌یافته حرام است.

اما با توجه به شک به سازمان‌یافته بودن برخی متکدیان، مقدار کمک به ایشان باید به مقدار حد‌اقلی باشد تا در صورت سازمان‌یافته بودن آنها، این معضله اجتماعی تقویت نگردد. مثلاً با دادن یک خوراکی اندک و یا دعای خیر، به احتیاط عمل شده است و خلاف دو دستور دینی عمل نکرده‌ایم؛ هم تکدی را طرد نکرده‌ایم و هم با کمک حد‌اقلی به تقویت یک گناه و معضل اجتماعی دستمان آلوده نشده است.

دلیل سوم) حرمت اغراء به جهل یا اغراء به گناه

اغراء در لغت به معنی ایجاد میل و ولع (ازهری، ۱۴۲۱ق، ج ۸، ص ۱۶۱) و متصل کردن یک چیز به چیز دیگر (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۵، ص ۱۲۱) است. از این رو اغراء به جهل به معنی ایجاد میل و وابستگی به جهل و پیوند زدن فردی به آن است. از این جهت گاه از اغراء به معاصی (سید مرتضی، ۱۴۰۵ق، ج ۴، ص ۳۴۶؛ طوسی، ۱۳۷۵ق، ص ۲۳۱؛ طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۱۲۸) و افعال قبیح (قطیفی، ۱۴۱۳ق، ص ۷۹) نیز در ادبیات فقهی سخن به میان آمده است. بر این اساس اغراء به جهل به این معناست که کاری صورت بگیرد که افراد در جهل خود باقی بمانند یا میل و وابستگی نسبت به آن حالت جهل پیدا کنند. از این جهت قاعده عدم اغراء به جهل، که گاه از آن به قاعده عدم اغراء به صورت مطلق سخن گفته می‌شود (سید مرتضی، ۱۴۰۵ق، ج ۴، ص ۳۴۸؛ طوسی، ۱۳۹۰ق، ج ۲، ص ۳۳۲)، به این معنی است که نباید اقدامی انجام شود که افراد در جهل و گمراهی خود باقی بمانند و راه هدایت بر آنها بسته شود (ابوصلاح حلبی، ۱۴۰۳ق، ص ۶۷). در تعبیر بسیاری از علماء، این قاعده به صورت یک قاعده کلامی مطرح شده است و آثار کلامی بر آن بار شده است (سید مرتضی، ۱۴۰۵ق، ج ۴، ص ۳۴۹؛ حلبی، ۱۴۱۴ق، ص ۳۴)، اما در این مبحث، بعد فقهی و حقوقی این قاعده مورد نظر است (طوسی، ۱۳۷۵ق، ص ۷۱).

از کلام برخی از فقهاء چنین می‌توان استنباط کرد که کاربرد این قاعده در جایی است که اهل معصیتی به واسطه عمل دیگران در معصیت و گناه خویش اصرار ورزد و یا به گونه‌ای با فرد معصیتکار رفتار شود که میل به تکرار و اصرار بر گناه خویش پیدا کند (محقق حلی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۵۷۵)؛ و از این جهت عدم اغراء به جهل به این معنی است که کاری نکنیم جاهلی به تکرار و اصرار در جهالت خود میل و جدیت پیدا کند (حلی، ۱۳۸۷ق، ج ۲، ص ۱۴۹).

کمک بیشتر از حد اقل به افراد مشکوک به متکدی‌پیشگی، این دسته از متکدیان را در انجام عمل زشت خود خشنود و ثابت قدم می‌کند و می‌تواند باعث استمرار و تکرار تکدی‌پیشگی - به‌عنوان یک آسیب اجتماعی و فعل حرام - گردد. در نتیجه این دسته از متکدیان، در کسب درآمد حرام از این طریق وابسته می‌شوند و بر آن اصرار می‌ورزند. از این‌رو، کمک مالی بیشتر از حد اقل به این افراد، ذیل قاعده اغراء به فعل حرام قرار گرفته و حرمت پیدا می‌کند.

۲-۲-۳. اصول مواجهه با متکدیان غیر واقعی

آخرین دسته از متکدیان، کسانی هستند که مطمئن هستیم فقیر نیستند و به دروغ‌گویی آنها علم داریم. این علم می‌تواند از بررسی و دقت نظر در قرائن و احوال فرد متکدی، و یا بررسی‌های دقیق‌تر عملی و عینی حاصل شود. این عده از افراد بسته به اینکه به صورت فردی یا گروهی اظهار نیاز در عین بی‌نیازی کنند، به دو دسته تقسیم می‌شوند:

۲-۳-۱. افراد متکدی‌نما

عده‌ای از افراد لئیم، علی‌رغم برخوردار بودن و توانایی در تأمین نیازها و حل مشکلاتشان، دست نیاز به سمت دیگران دراز می‌کنند و تکدی‌گری می‌نمایند. در روایتی با سند صحیح از امام سجاد (علیه السلام) در خصوص این دسته از متکدیان نقل شده است که: «ضَمِنْتُ عَلَيَّ رَبِّي أَنَّهُ لَا يَسْأَلُ أَحَدًا مِنْ غَيْرِ حَاجَةٍ إِلَّا اضْطَرَّتْهُ الْمَسْأَلَةُ يَوْمًا إِلَى أَنْ يَسْأَلَ مِنْ حَاجَةٍ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۱۹)؛ نزد پروردگارم ضمانت قطعی می‌دهم که هر کس از روی بی‌نیازی از دیگران درخواست کند، قطعاً روزی فرا خواهد رسید که از روی نیاز نزد دیگران تکدی‌گری نماید.

در روایت دیگری به سند صحیح، امیرالمؤمنین (علیه السلام) از قرار گرفتن در این دسته از متکدیان به شدت بر حذر می‌دارند؛ این گفته رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) تبعیت کنید که بی‌تردید فرمودند: «مَنْ فَتَحَ عَلَيَّ نَفْسِهِ بَابَ مَسْأَلَةٍ فَتَحَ اللَّهُ عَلَيْهِ بَابَ فَقْرٍ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۱۹)؛ هر کس برای خودش دری از اظهار نیاز باز کند، خداوند متعال دری از فقر به روی او می‌گشاید. از این روایات

می‌توان فهمید که تظاهر به فقر و دریوزگی، رابطه مستقیمی با افزایش فقر و افتادن به تکدی‌گری واقعی دارد (عترت‌دوست و همکاران، ۱۳۹۸، صص ۱۸۱-۱۸۲).

۲-۳-۲. متکدیان سازمانی

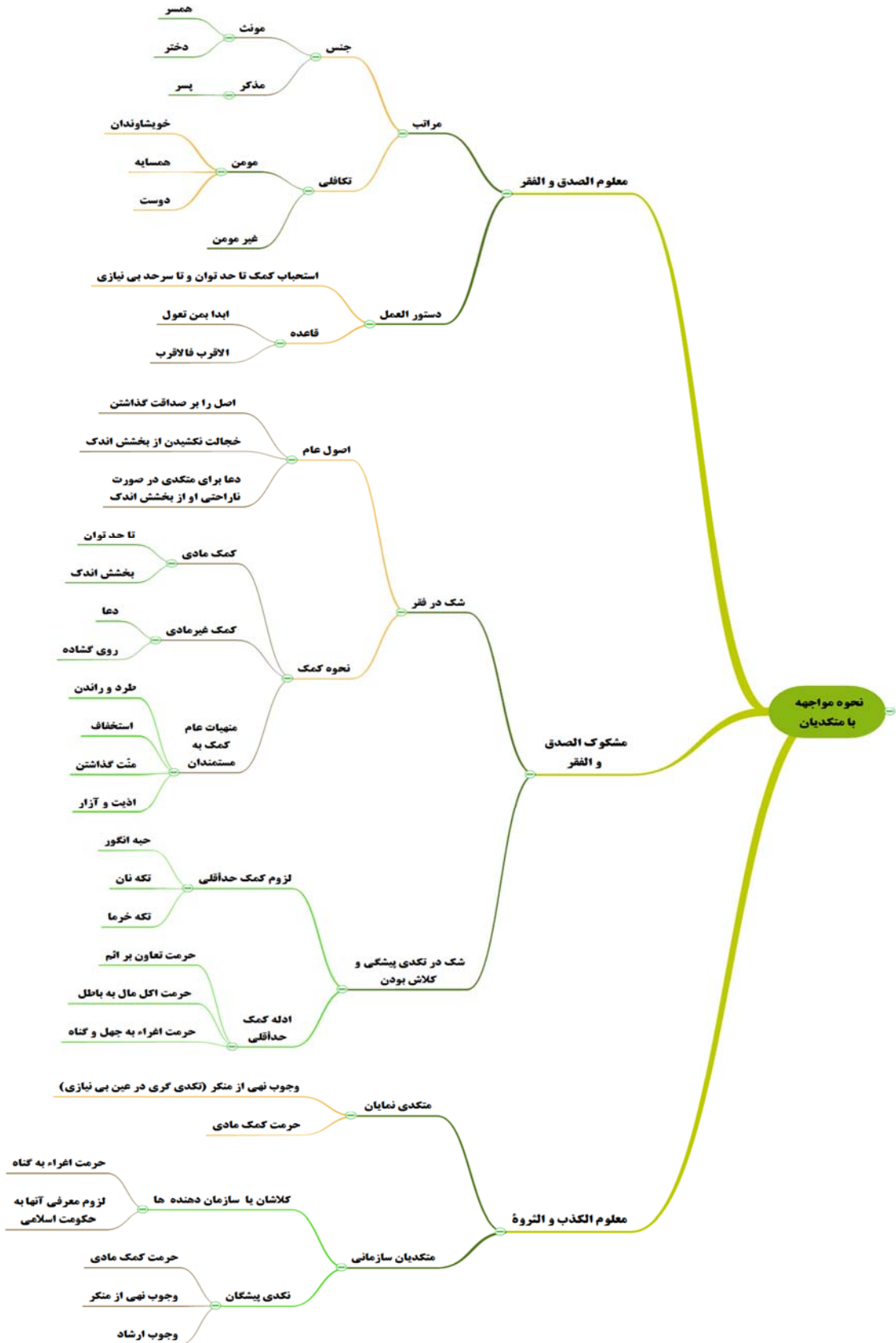
مقصود گروه‌هایی هستند که صورت برنامه‌ریزی شده و با کسب مهارت‌های لازم اظهار نیاز کنند. این گروه را با توجه به سران باندهای تکدی‌گری و عاملان آن به دو دسته طبقه‌بندی نمود:

الف) کلاشان یا متکدیان سازمان‌دهنده

مقصود در اینجا افرادی هستند که خودشان همان فرد کلاش، و مربی و مشوق تکدی‌پیشگان هستند. با توجه به قاعده فقهی «اغراء به جهل» اقدام این دسته از افراد قطعاً حرام است. از آنجا که کلاشان، به جای بازداشتن و نهی تکدی‌پیشگان از این عادت زشت، از آن‌ها سوء استفاده می‌کنند، این اقدام آنها، ذیل قاعده اغراء به جهل می‌گنجد و حرام است. در نتیجه، هرگونه همکاری با آنها یا حتی اطلاع داشتن از وجود این افراد و عدم معرفی آنها به مردم و حکومت اسلامی، من باب قاعده إعانت بر اثم و عدوان حرام می‌شود.

ب) تکدی‌پیشگان

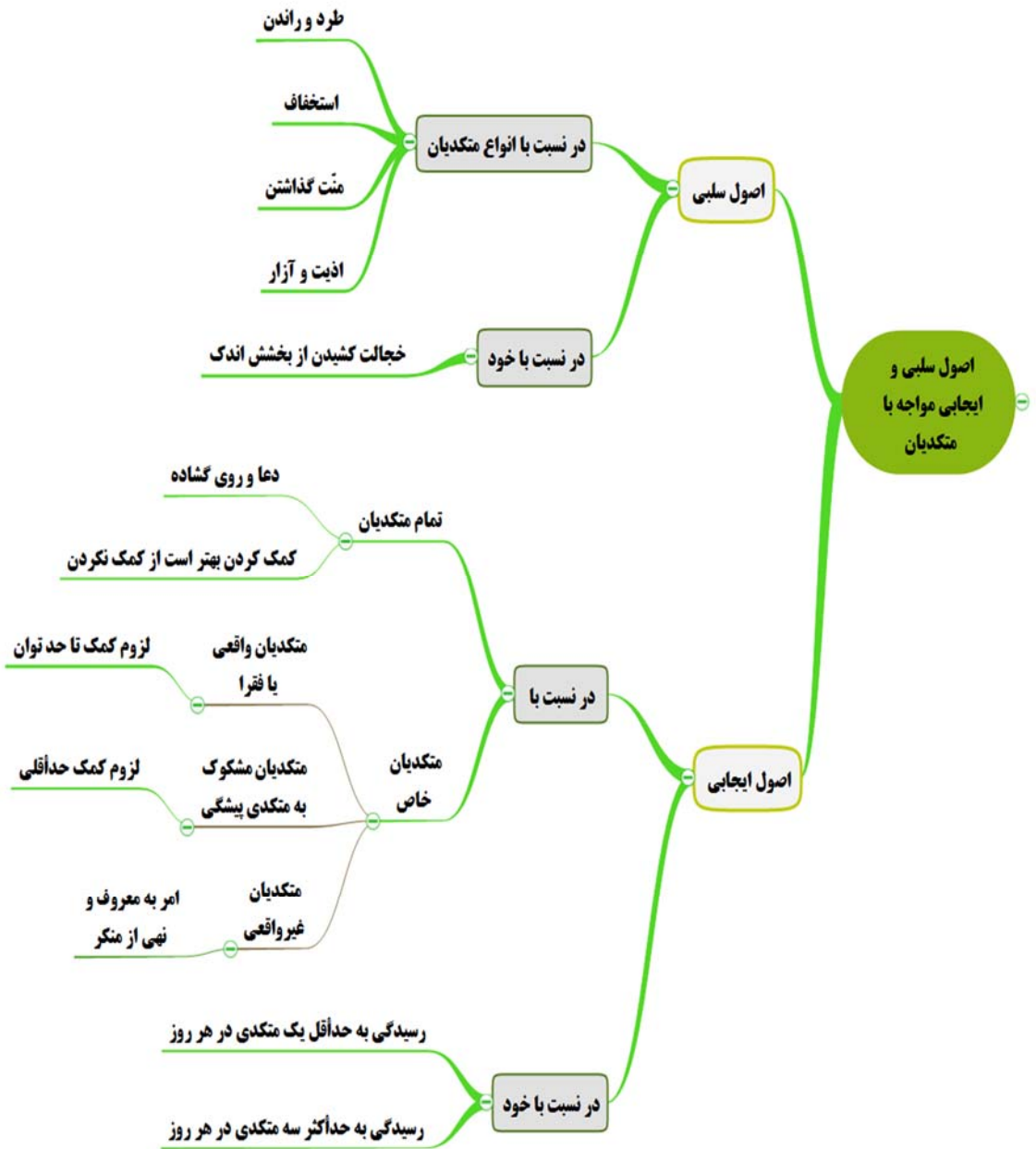
این افراد کسانی هستند که ابزار دست کلاشان گشته‌اند و خواسته یا ناخواسته گرفتار شده‌اند و تکدی‌گری را پیشه خود ساخته‌اند. شناخت این افراد نیز با بررسی قرائن و احوالات زندگی آنها به خوبی ممکن است. با علم به وجود چنین افرادی نباید به آنها کمک کرد، بلکه باید بنا به حکم «نهی از منکر» آنها را مورد عتاب و خطاب قرار داد. حال حکم اقدام این افراد نسبت به حرمت اقداماتشان بسته به اینکه جاهلِ قاصر باشند یا مقصر یا اینکه با زور و اکراه به این تکدی‌پیشگی مشغولند یا با رغبت، می‌تواند متفاوت باشد.



نتایج تحقیق

پیش از بیان نتایج تحقیق لازم است یادآوری شود، این پژوهش در خصوص نحوه مواجهه با متکدیان خیابانی بوده و نافی انجام سایر واجبات مالی دیگر همچون صدقات و زکوات و حق معلوم نیست. در این پژوهش مطابق ادله قرآنی و روایی، به اصولی عام و خاص در خصوص متکدیان دست یافتیم. در مورد روایات نیز تلاش شد تا از معتبر بودن روایت اطمینان حاصل شود و از روایات صحیح یا روایاتی که قوت مضمون آنها جابر ضعف سند باشد، استفاده گردید. اصول عام ناظر به انواع مختلف متکدیان است و اصول خاص ناظر به نوع خاصی از متکدیان. مهمترین اصول عام صدقه دادن به متکدیان عبارت است از: (۱) حرمت طرد و راندن متکدی، (۲) حرمت تحقیر و استخفاف متکدی، (۳) حرمت اذیت و آزار متکدی. سپس بر اساس علم به میزان واقعی بودن فقر متکدیان آنها را به سه دسته تقسیم‌بندی کردیم: (۱) نیازمندان واقعی یا فقرا، (۲) متکدیان مشکوک، (۳) متکدیان غیرواقعی (کلاشان و تکدی‌پیشگان).

در مواجهه با فقرا و مساکین باید تمام تلاش خود را برای بی‌نیازی آنها مبذول داریم. در مواجهه با متکدیان مشکوک باید اولاً اصل را بر صحت ادعای فقر گذاشته و بهتر است به جای بخشش زیاد، به حداقل بخشش اکتفا شود تا در صورت غیرواقعی بودن متکدی، اموال به باطل صرف نشود. همچنین در صورتی که در متکدی‌پیشه بودن فرد شک داریم، واجب است به حداقل‌ها اکتفا شود تا هم فقیری را طرد نکرده باشیم و هم در صورت سازمان‌یافته بودن آنها، به اشاعه تکدی‌گری سازمان‌یافته - به‌عنوان یک معضل حرام اجتماعی - دامن نزده باشیم. در مواجهه با متکدی‌نمایی که می‌دانیم فقیر نیستند، واجب است آنها را نهی از منکر کنیم و از این کار زشت بازداریم و در صورت نیاز، آنها را مورد ارشاد و کمک غیرمادی قرار دهیم. در نمودار زیر به طور خلاصه اصول ایجابی و سلبی مواجهه با متکدیان ذکر شده است:



شکل ۶: اصول سلبی و ایجابی مواجهه با متکدیان

کتاب نامه:

قرآن کریم.

- آرام، محمدرضا (۱۳۹۸)، *نظام‌سازی بر مبنای تکافل اجتماعی*، تهران: دانشگاه امام صادق (علیه السلام).
- آقا جمال خواند ساری، محمد بن حسین (۱۳۶۶)، *شرح آقا جمال خواند ساری بر غرر الحکم و درر الکلم*، تهران: دانشگاه تهران.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۲)، *الخصال*، قم: جامعه مدرسین.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۶)، *أمالی الصدوق*، تهران: کتابچی.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۸۵)، *علل الشرایع*، قم: داوری.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۰۶ق)، *ثواب الأعمال و عقاب الأعمال*، قم: دار الشریف الرضی للنشر.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳ق)، *من لا یحضره الفقیه*، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۳۶۳)، *تحف العقول*، قم: جامعه مدرسین.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، *لسان العرب*، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- ابن همام اسکافی، محمد بن همام بن سهیل (۱۴۰۴ق): *التمحیص*، قم: مدرسه الإمام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.
- ابوصلاح حلبی، تقی‌الدین بن نجم‌الدین (۱۴۰۳ق)، *الکافی فی الفقه*، به کوشش رضا استادی، اصفهان: کتابخانه عمومی امام امیرالمؤمنین علیه السلام.
- ازهری، محمد بن احمد (۱۴۲۱ق)، *تهذیب اللغة*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- بجنوردی، سید محمد (۱۴۰۱ق)، *قواعد فقهیه*، تهران: مؤسسه عروج.
- بستانی، فواد افرام (۱۳۷۵)، *فرهنگ ابجدی*، تهران: اسلامی، چاپ دوم.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰ق)، *غرر الحکم و درر الکلم*، قم: دارالکتب الإسلامیه.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، *وسائل الشیعه*، قم: مؤسسه آل‌البت علیهم السلام.
- حلبی، علی بن حسن (۱۴۱۴ق)، *إشارة السبق إلى معرفة الحق*، به کوشش گروه پژوهش مؤسسه امام صادق علیه السلام، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- حلی، محمد بن حسن (۱۳۸۷ق)، *ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد*، به کوشش سید حسین موسوی کرمانی، علی‌پناه اشتهاردی، عبدالرحیم بروجردی، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- حمیری، عبدالله بن جعفر (۱۴۱۳ق)، *قرب الإسناد*، قم: مؤسسه آل‌البت علیهم السلام.

- سید مرتضی، علی بن حسین (۱۴۰۵ق)، *رسائل الشریف المرتضی*، به کوشش سید مهدی رجائی، قم: دار القرآن الکریم.
- سن، آمارتیا کومار (۱۳۸۱)، *توسعه به مثابه آزادی*، ترجمه وحید محمودی، تهران: دستان.
- شریف الرضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ق)، *نهج البلاغه*، قم: نشر هجرت.
- شعیری، محمد بن محمد (بی تا)، *جامع الاخبار*، نجف: مطبعة حیدریه.
- شکرانی، رضا؛ سیدناری، طاهره سادات (۱۳۹۶)، «اولویت سنجی انفاق در قرآن و حدیث»، *دوفصلنامه مطالعات قرآن و حدیث*، سال دهم، شماره دوم (پیاپی ۲۰).
- صاحب بن عباد، اسماعیل (۱۴۱۴ق)، *المحیط فی اللغة*، به کوشش: آل یا سین، محمد حسن، بیروت: عالم الکتب.
- طباطبایی، محمد حسین (۱۳۹۰ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران: ناصر خسرو.
- طوسی، محمد بن حسن (بی تا)، *التبیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۷۵ق)، *الایته صناد الهادی إلى طریق الرشاد*، تهران: انتشارات کتابخانه جامع چهل ستون.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۹۰ق)، *الاستبصار فیما اختلف من الاخبار*، به کوشش حسن موسوی خراسان، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ق)، *الأمالی*، قم: انتشارات دارالثقافه.
- عترت دوست، محمد؛ نصیری، امید؛ غیائی، هادی (۱۳۹۸ش)، «شبکه مضامین عوامل ایجاد فقر در جامعه اسلامی از منظر آیات قرآن و احادیث اهل بیت (علیهم السلام)»، *دوفصلنامه مطالعات قرآن و حدیث*، سال سیزدهم، شماره اول، پیاپی ۲۵.
- عسگری، محمد مهدی؛ غفورزاده، حسین (۱۳۸۸ش)، «بررسی مفهوم فقر از منظر قرآن و روایات ائمه اطهار (علیهم السلام)»، *دوفصلنامه مطالعات قرآن و حدیث*، سال سوم، شماره اول، پیاپی ۵.
- عده ای از علما (۱۳۶۳)، *الأصول الستة عشر*، قم: دار الشبستری للمطبوعات.
- عباشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ق)، *تفسیر العیاشی*، تهران: المطبعة العلمیه.
- قطیفی، ابراهیم بن سلیمان (۱۴۱۳ق)، *السراج الوهاج*، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق)، *کتاب العین*، قم: نشر هجرت.

قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴ق)، *تفسیر القمی*، قم: دارالکتاب
کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ق)، *الکافی*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
کوفی اهوازی، حسین بن سعید (۱۴۰۲ق)، *الزهد*، قم: المطبعة العلمية.
کوفی اهوازی، حسین بن سعید (۱۴۰۴ق)، *المؤمن*، قم: مؤسسه الإمام المهدی علیه السلام.
لیثی واسطی، علی بن محمد (۱۳۷۶)، *عیون الحکم و المواعظ*، قم: دارالحدیث.
محقق حلّی، جعفر بن حسن (۱۴۰۷ق)، *المعتبر فی شرح المختصر*، قم: مؤسسه سید الشهداء علیه السلام.
مصطفوی، حسن (۱۳۶۸)، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
مجلسی، محمد تقی (۱۴۱۴ق)، *لوامع صاحبقرانی*، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق)، *الأمالی*، قم: کنگره شیخ مفید.
مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق)، *المقنعة*، قم: کنگره شیخ مفید.
منسوب به علی بن موسی، امام هشتم علیه السلام (۱۴۰۶ق)، *الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا علیه السلام*، مشهد: مؤسسه آل البيت علیهم السلام
هلالی، سلیم بن قیس (۱۴۰۵ق)، *کتاب سلیم بن قیس الهلالی*، قم: الهادی.

<https://www.isna.ir/news/1399/03/16:98082214327>

<https://www.eghtesadonline.com/n/1W0e:1399/03/16>

<https://rc.majlis.ir/fa/law/show:92683:1399/08/16>